

روند تحولات رشته برنامه درسی به عنوان یک حوزه تخصصی در جهان امروز

نوشته: دکتر نادرقلی قورچیان

معرفی مقاله:

این مقاله به بررسی روند تحولات رشته برنامه درسی به عنوان یک حوزه تخصصی اختصاص یافته است. نگارنده ابتدائاً مفاهیم برنامه درسی را به عنوان یک دیسیپلین (رشته تخصصی) اصلی تعیین نموده و آنگاه زیر شاخه های این دیسیپلین یعنی طراحی برنامه درسی و برنامه ریزی درسی را تحلیل نموده است. سپس روند تحولات رشته برنامه درسی را به دو دوره غیر رسمی و رسمی تقسیم نموده است.

دوره غیر رسمی تعلیم و تربیت با قدمت انسانها آغاز و تا اوایل قرن بیستم ادامه می یابد. در فرایند این تحلیل روش و محتوای تعلیم و تربیت در اقوام بدوی، تمدنهای باستانی هند قدیم، چین، ایران باستان، یونان و روم قدیم، دوران قبل از رنسانس، و رنسانس (دوران نوزایی) تا اوایل قرن بیستم مورد ملاحظه قرار گرفته است. آنگاه دوره رسمی برنامه درسی را مصادف با اوایل قرن بیستم، یعنی زمان تألیف کتاب برنامه درسی اثر فرانکلین بویت در سال ۱۹۱۸ دانسته و روند تحولات این رشته را تا اواسط سال ۱۹۹۳ بررسی نموده است.

در پایان، نگارنده به ترسیم مبانی نظری برنامه درسی پرداخته، تئوریهای برنامه درسی را در دو خانواده طراحی برنامه درسی و برنامه ریزی درسی تحلیل نموده است، و سه خانواده بزرگ تئوری کنترل، تئوری تعبیری و تئوری انتقادی را تبیین نموده است. و سرانجام به تشریح قلمرو جدید برنامه درسی در سه مقوله برنامه درسی رسمی، برنامه درسی عقیم و برنامه درسی مستتر پرداخته است.

این مقاله توسط دکتر نادرقلی قورچیان عضو هیأت علمی و معاون مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی به رشته تحریر درآمده است.

آغاز:

نگارنده این مقاله در صدد است که روند تحولات رشته برنامه‌درسی^(۱) رابه عنوان یک حوزه تخصصی که قدمت غیررسمی آن به قدمت انسان و تولد رسمی آن به سال، ۱۹۱۸ یعنی سال انتشار نخستین کتاب مستقل برنامه‌درسی نوشته فرانکلین بوییت^(۲) می‌رسد تبیین و تحلیل نماید.

رشته برنامه‌درسی به عنوان یک حوزه مستقل تخصصی و یک دیسپلین (رشته تخصصی) از جنبه نظری به دو خانواده بزرگ یعنی طراحی برنامه‌درسی^(۳) و برنامه‌ریزی درسی^(۴) تقسیم می‌شود. در قسمت طراحی برنامه‌درسی عناصر تشکیل دهنده یک برنامه‌درسی مطرح می‌گردد، و در قسمت برنامه‌ریزی درسی چگونگی کاربرد و اجرای این عناصر بیان می‌شود.

علی‌رغم مفاهیم متضاد در خصوص قلمرو و تعاریف رشته برنامه‌درسی، انجمن برنامه‌ریزان درسی و رهبری آموزشی^(۵) در کتاب سال ۱۹۹۳ خود "قلمرو کلی مفهوم برنامه‌درسی رابه تمامی آنچه که در امریادی و یاددهی به کار گرفته می‌شود اطلاق می‌نماید. حیطه و ثغور این رشته از نظر آنها شامل محیط مدرسه و خارج از مدرسه، برنامه‌های درسی رسمی^(۶) و مستتر^(۷)، مفاهیم مربوط به محتوا با عنایت خاص به برنامه‌ریزی، اجراء و نتایج آنها می‌باشد."^(۸)

نگارنده، با عنایت به مباحث فوق، هم خود را برآن داشته‌است تا نخست روند تحولات رشته برنامه‌درسی رابه ترتیب در دوران غیررسمی و دوران رسمی مورد مذاقه و تحلیل قرار دهد. سپس مبانی نظری این رشته را در دو بخش طراحی برنامه‌درسی و برنامه‌ریزی درسی تبیین نماید، و سرانجام، قلمرو جدید این حوزه در جهان امروز را در سه مقوله برنامه‌درسی رسمی، برنامه‌درسی عقیم^(۹) و برنامه‌درسی مستتر مطالعه و کالبدشکافی نماید.

الف - دوران غیر رسمی برنامه درسی

آیره‌لوی^(۱۰) (۱۹۹۱) در دیباچه دایره‌المعارف بین‌المللی برنامه‌درسی می‌نویسد: "فرایندهای تربیتی بدون توصیف کامل عناصر برنامه درسی امکان پذیر نیست. علی‌رغم هر مفهومی که ما از فرایند تعلیم و تربیت داشته باشیم، خواه تعلیم و تربیت را انتقال میراث فرهنگی در یک جامعه خاص، یا خلق و ایجاد شرایط رشد فردی بدانیم، و یا آن را راهنمای رشد رفتار فرد در جهت مطلوب تلقی کنیم، و یا از آن به آماده کردن فرد برای انجام کامل نقش‌ها و وظایف جامعه تعبیر کنیم، کلیه این فعالیتها با دو نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی سروکار دارد که مشتمل بر اطلاعات، دانش، احساسات، ارزشها و مهارتها و به زبان تخصصی شامل محتوای برنامه‌ها خواهد بود. مسایل مربوط به انتخاب چنین محتواهایی و سازمان‌دادن آنها به نحوی که به طور اعم تسهیلات امریادگیری را در فرآیند تعلیم و تربیت، و به طور خاص برنامه‌های مدرسه را فراهم آورد، موضوع مطالعات برنامه‌درسی خواهد بود. با چنین برداشتی قدمت برنامه درسی به قدمت تعلیم و تربیت می‌رسد." (۱۱)

پرفسور ویلیام هنری شوپرت^(۱۲) در اثر برجسته خود با عنوان "کتابهای برنامه‌درسی" چنین می‌نویسد. "قدمت برنامه‌درسی غیررسمی مصادف با زمانی است که انسانها در جستجوی آموزش میراث تجمعی و اندوخته شده به جوانان بوده‌اند. بزرگسالان قبایل عصر ماقبل تاریخ در خصوص اینکه چه مطالبی را بچه‌ها نیازمندند یاد بگیرند تا عضو گروه جامعه تلقی گردند به اتخاذ تصمیم می‌پرداختند." (۱۳)

اجازه دهید در این بخش مروری بر روند تحولات دوران غیررسمی برنامه‌درسی در خصوص روش و محتوای تعلیم و تربیت در اقوام بدوی، تمدنهای باستانی یونان و روم قدیم، قرون میانه و رنسانس تا اوایل قرن بیستم داشته باشیم.

۱ - روش و محتوای تعلیم و تربیت در اقوام بدوی:

ما شاهد ساده‌ترین روش یعنی تقلید و محتوای تعلیم و تربیت در اقوام بدوی بوده‌ایم و همانا "هدف تربیت در اقوام بدوی انطباق کامل فرد با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرده بوده است. تربیت به صورت عملی و غیر عمدی انجام می‌گرفت و کودک از راه تقلید از اعمال و رفتار بزرگسالان و وظایف خود را به عنوان یک عضو جامعه می‌آموخت." (۱۴)

ضمناً "آموزش عمدی از زمانی آغاز می‌شود که خط اختراع شده و آموزش آگاهانه آن لزوم پیدا کرده است." (۱۵)

۲- روش و محتوای تعلیم و تربیت در تمدنهای باستانی:

ویلیام مدلین^(۱۶) استاد برجسته تاریخ آراء تربیتی در غرب می‌نویسد: "هزاره بعد از ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد مشخص ظهور تدریجی فرهنگ‌های یکجانشینی^(۱۷) و سپس شهری در دره‌های دجله و فرات (بین‌النهرین) و نیل است. امکانات اشتغال به کشاورزی و نیز چادرنشینی و سایر طرق جمع‌آوری آذوقه موجب پیدایش ثروت و وظایف اجتماعی جدیدی در روابط انسانی گردید. مقتضای انجام این وظایف جدید آشنا ساختن رسمی افراد جوان با زندگی بزرگسالان بود. تقلید از والدین و کارآموزی برای برآورد نیازها و منافع شهرنشینان کافی نبود. شواهد این تغییرات اجتماعی مخصوصاً در ویرانه‌های شهرهای قدیم سومری به وفور دیده می‌شود. جامعه سومری وظایف و خدماتی را توسعه داده بود. که انجام آنها مستلزم افراد تربیت یافته بود. نوشته‌های الواح مکشوف در سومر شاید بهترین اطلاع درباره کارآموزشگاههای سومری و اهمیت نسبی آنها را در آن زمان به دست می‌دهد. شرح چگونگی آموزشگاهها و فرایندهای یادگیری رسمی معمول در فاصله ۳۰۰۰ و ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد در الواح مزبور آمده است.

برنامه یک روز درس در آموزشگاه:

پرسش: در مدرسه چکار کردید.

شاگرد: من مشق خود را از حفظ خواندم، ناهارم را خوردم، درس تازه را حاضر کردم، نوشتم، و تمام کردم، بعداً "تکلیف شفاهیم را معین کردند، بعد از ظهر هم تکلیف کتبی را دادند.

روابط معلم و شاگرد:

شاگرد... من به مدرسه رفتم. مبصری که سرکار بود به من گفت ...

مبصر: چرا دیر آمدی؟

شاگرد: ترسیده بودم و قلبم می‌تپید وارد شدم و مقابل معلم رسیدم و با تعظیم به او احترام کردم کارمدرسه شروع می‌شود.

معلم: دستنویس شما رضایت بخش نیست. معلم از این جهت به شاگرد چوب می‌زند. " (۱۸)

شواهد دیگر از الواحی که در بین‌النهرین کشف شده، به دست آمده است که بازسازی قسمت عمده نظام تربیتی سومری و مبانی نظری آن را امکان‌پذیر ساخته است.

"دفتر مشق‌های شاگردان نشان می‌دهد که ممارست در خواندن و نوشتن از ابتدایی تا سطح پیشرفته مشتمل بر یک رشته مراحل تدریجی بوده است که شاگردان می‌بایستی موفق به گذراندن آنها باشند. افزایش محتوای درس از حیث دشواری و تنوع بسته به پیشرفت تدریجی شاگرد بود. دروس مشتمل بر دستور زبان، امور روستایی، شهری، طبیعی و جسمانی و هم‌چنین حساب بود." (۱۹)

شواهد مزبور حاکی از توصیف نهاد تربیتی است. در مصر قدیم "طبقات اجتماعی کاملاً" متمایز بودند. در طبقه بالا پیشوایان دینی، ثروتمندان، حافظان علوم و در طبقات پایین تر نظامیان، کشاورزان و پیشه‌وران قرار داشتند. سازمان اداری به وسیله دفتر داران یعنی افراد تربیت شده‌ای که از حلقه روحانیون بیرون بوده‌اند، اداره می‌شد و برای آنها به شرط ابراز لیاقت امکان ترقی و رسیدن به مقامات بالای اداری وجود داشت.

هدف تربیت در جامعه مصر انطباق دادن کامل هرکسی با جهانی بود که باید در آن زندگی کند بی آنکه کار ناشایسته‌ای از او سر بزند یا گرفتاری برای دیگران بوجود آورد. " (۲۰) آری، همین "مصریان خط را اختراع کردند." (۲۱) و با اختراع خط، زبان کتبی محتوای برنامه‌ها در فرایند تعلیم و تربیت متولد و شکل گرفت.

در هند قدیم "تربیت کاملاً" بر امتیاز طبقاتی استوار بود. چهار طبقه کاملاً مجزا (روحانیون یا برهمنان، جنگجویان، بازرگانان و بندگان) وجود داشت که طبقه آخر از همه حقوق اجتماعی محروم بود. برای جنگجویان و بازرگانان نوعی آموزش ابتدایی بسیار ساده که شامل خواندن، نوشتن، حساب، و مخصوصاً عقاید و آداب دینی بود وجود داشت و تربیت شغلی به صورت عملی و در داخل گروه‌ها انجام می‌گرفت. فقط پیشوایان مذهبی یا برهمن‌های آینده از تربیت عالی کامل برخوردار بودند و در مدارس برهمنان نیز تعلیم می‌یافتند. برنامه‌های تعلیماتی این مدارس شامل سرودهای مذهبی (وداها)، آداب دینی، زبان سانسکریت، دستور زبان، شعرو قوانین بود. روش تعلیم عبارت از پرورش حافظه بود. استفاده از قدرت تقلید در مدارس برهمنی رایج بود و آموزش به صورت انفرادی داده می‌شد و مدت آن معمولاً "۱۲ سال بود." (۲۲)

"در چین نیز تقریباً هم‌زمان با هند تمدنی به وجود آمد و نوع خاصی از تربیت رونق یافت که متکی بر سنت‌های قومی بود. در حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد فلاسفه‌ای چون لائوتسه و کنفسیوس در چین ظهور کردند. لائوتسه با این فکر (که باید توده مردم را در جهالت نگاه داشت، زیرا در این صورت توقعات زیادی نخواهند داشت. و یا اداره آنان در صورتی که زیاد بدانند کار مشکل است.) مخالفت کرد و اعلام داشت که این فلسفه‌ها مستقیماً با آنچه که مابۀ انسانیت مدیون هستیم مخالف است.

کنفسیوس نیز نظیر همین عقیده را داشت و به همین جهت مدرسه به روی همه کودکان چین باز بود. (۲۳)

در ایران باستان، طبق نوشته گیریشمان باستانشناس فرانسوی، در شمال شرقی شوشتر در تنگ یبده به غاری برخوردند که انسان از ۱۰ تا ۱۵ هزار سال قبل به دست آمده است.

در حدود ۷۰۰۰ سال قبل در فلات ایران مردمی اسکان داشته‌اند، و در حدود ۶۰۰۰ سال قبل اسباب و آلات فلزی در این سرزمین به کار رفته و ظروف سفالین با نقش و نگار به وجود آمده است. در همین هزاره است که در بین النهرین خط و نوشتن پدید آمده است. در حدود ۴۰۰۰ سال قبل اقوام آریایی از جمله اقوام ماد و پارس از طرف ماوراءالنهر به قفقاز و طرف ایران سرازیر شدند. از اواسط این هزاره آهن در ایران به کار رفته و در آخر همین هزاره زرتشت ظهور کرده و رسالت خود را انجام داده است (۲۴). در این زمان بود که "ایرانیان باستان رامی بینیم که به هنگام ظهور زرتشت به دوجناح پخش شدند. پیروان نیروی خوب خودی و هواداران بدیگانه. زرتشت پادرمیدان این پیکار می‌نهد و با شور اخلاقی خود پرستش دیوان بیگانه را منسوخ می‌کند و شعائر دشوارکاهان مغ را از رواج می‌اندازد. ارواح نیک را اهورامزدا و ارواح بد را اهریمن می‌نامد. (۲۵)" بدین ترتیب تعلیم و تربیت و برنامه‌ها بوی فلسفه زرتشت می‌گیرد. (۲۶)

آنچه از نظام محتوای آموزش و پرورش در دوران تمدنهای باستانی مشهود است همانا "تأکید فراوان بر تقلید و تکرار، پرورش حافظه، عدم توجه به پرورش حرفه‌ای در آموزشگاهها" (۲۷) و اشاعه برنامه‌های منظم برای تربیت افراد مطلوب بوده است.

۳- روش و محتوای تعلیم و تربیت در یونان و روم قدیم:

"یونان باستان کشوری بود کوچک. هیچ منطقه آن بیش از ۶۰ کیلومتر از دریا فاصله نداشت، و با وجود این به چندین شهرستان مستقل تقسیم شده بود. که مهمترین آنها از حیث تمدن شبه جزیره آتیک (Attique) بود که پایتختش را آتن می‌نامیدند. نگاهی گذرا به آراء تربیتی این دوره نشان می‌دهد که آنان برنامه‌درسی ویژه‌ای برای تربیت شهروند مفید داشتند.

در اسپارت (تا ۴۷۹ پیش از میلاد) پرورش منحصر به پسران شایسته کسانی که فرمانروایی داشتند بود. بندگان اغلب آرام نبودند و بازور آنان را ساکت نگاه می‌داشتند. فضایی که مورد نظر بودند، نیرو، دلاوری، پایداری، میهن‌پرستی، و فرمانبرداری بود. ارسطو گفته است که اسپارت خود را برای جنگ آماده می‌کرد و به هنگام

صلح مانند شمشیر در غلاف زنگ می زد. و مقصودش این بود که ادب و هنر عواطف و احساسات در اسپارتی ها نمو پیدا نمی کرد. هنگام تولد اگر طفل را شورای ریش سفیدان از لحاظ استخوان بندی و نیرومندی نمی پسندید در کوهها می گذاشتند تا تلف شود. و اگر مورد پسند واقع می شد مادر موظف به نگاهداری او بود. ولی این وظیفه تارسیدن پسر به سن ۷ دوام داشت. از ۸ تا ۱۸ سالگی پسر را در سربازخانه پرورش داده وی رابه تحمل سختی و مشقت عادت می دادند. خوراک و پوشاکش کم و رختخوابش سخت بود. کارهایی که بدو می آموختند، عبارت بود از: دویدن، جستن، مشت زدن، کشتی، موزیک نظامی، توپ بازی، بکار بردن شمشیر، جنگ کردن، سخنرانی موجز و مختصر. از سن ۱۸ تا ۲۰ او را برای جنگیدن آماده می کردند. از ۲۰ تا ۳۰ سالگی هرکسی باید در پاسگاههای مرزی به سربرد. از ۳۰ سالگی به عضویت جامعه پذیرفته می شدند و مجبور بودند زن بگیرند، لیکن در سربازخانه زیست کنند و به پرورش کودکان اشتغال ورزند. تربیت نظری و فکری اسپارتهای منحصر بود به حفظ کردن قانونهای لیکورک (Lycurque) (پادشاه و قانونگذار معروف که ظاهراً حدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد می زیسته است.)، منتخبات هم (Homere) (شاعر حماسه سرا که حدود ۸۵۰ سال پیش از میلاد می زیسته است.)، و شنیدن گفتگوی پیر مردان. در نظام تربیت فوق، دختر هارانتها از لحاظ تندرستی و نیرومندی تربیت می کردند تا بچه های سالم و قوی به جامعه تحویل دهند." (۲۸)

"در آتن " برای عضویت جامعه علاوه بر اینکه آتنی باید از خانواده های مخصوص و افراد آزاد باشد می بایستی خواندن، نوشتن، موزیک و ورزش بداند. آموزش و پرورش آزاد بود و روش القای عقیده وجود نداشت. از این رو، دولت آموزشگاه تأسیس و نگهداری نمی کرد. بلکه به موجب قانون پدر موظف بود فرزند خود رابه تحصیل گمارد. اگر بدین وظیفه عمل نمی کرد طفل مجبور نبود هنگام پیری از او نگهداری کند. آموزگاران پایه رسمی نداشتند و تنها از ماهانه ای که از شاگردان می گرفتند گذران می کردند. در جامعه شأن و حیثیت زیاد برای آنها قائل نبودند و فقط نسبت به استادان حرمت می گذاشتند. کسی که گم می شد می گفتند یا مرده یا آموزگار شده و کلمه آموزگار مطابق گفته اپقور (Epcure) حکیم نامی یونان (۲۷۰-۳۴۱ قبل از میلاد) از الفاظ ناسز بوده است. آموزشگاهها از بامداد تا غروب باز بود. تعطیل هفتگی وجود نداشت لیکن در سال نود روز عید می گرفتند و مدارس بسته بود. شاگرد به همراهی لله که پداگوگ (Pedagogue) می نامیدند و از بندگان بود، به آموزشگاه می رفت و برمی گشت. روش آموختن انفرادی بود و آموزگار به هر شاگرد جداگانه درس می داد. آموزگار درس را می گفت و شاگرد از بر

می‌کرد. تنبیه بدنی هم در آموزشگاه و هم در خانه معمول بود. دوره تحصیل بدین ترتیب بود که هنگام تولد اگر بچه مورد پسند پدر نبود او را در کوهستان می‌گذاشت تا تلف شود. اگر به نظر وی شایسته و نیکو بود تا هفت سالگی در خانه پرورش می‌یافت. در این سن پسر را از دختر جدایی کردند. دختر از مادرخانه‌داری می‌آموخت و با وی همیشه در اندرون بود. دختران توانگران درزی‌گری و موزیک و بافندگی نیز فرامی‌گرفتند. از سال هفتم پسر را به دو آموزشگاه می‌فرستادند. آموزشگاه موزیک و ادب، و آموزشگاه تربیت بدنی. طفل بخشی از روز را در اولی و بخش دیگر را در دومی به سر می‌برد. یا یک روز در اولی و روز دیگر در دومی. از شانزده تا هیجده سالگی جوانها به ژیمنازی می‌رفتند که از طرف دولت برپاشده بود و آنها را برای خدمت نظامی حاضر می‌کرد. پس از آن دو سال صرف خدمت نظامی می‌شد. سال اول در آتن و سال دوم در مرزها. از این رو دوره تحصیل در بیست سالگی به پایان می‌رسید و در اینجا خواندن، نوشتن، موزیک و ورزش اساس برنامه بود و مختصری نیز شمار می‌آموخت^(۲۹). "البته باید اذعان کرد که در دوره دوم (۴۷۹-۱۴۶ پیش از میلاد) در یونان عصر طلایی یا عصر پریکلز (Pericles) آغاز می‌گردد که در این عصر در هر رشته افراد برجسته‌ای به وجود آمدند. متأسفانه این دوره مدت زیادی طول نکشید و جنگهای پلوپونز (Peloponese): نام‌شبه جزیره جنوبی یونان)، که میان اسپارت و آتن روی داد باعث اضمحلال دولت یونان شد. هر چند که ادب و هنر آن باقی ماند. در همین دوره پایه بسیاری از علوم گذاشته شد. دانشمندان و فلاسفه معروفی چون طالس، فیثاغورث، تمستیوکل، پردکلیس، هردوت (مورخ معروف)، ارشمیدس، سقراط، افلاطون و ارسطو در این دوره ظهور کردند. در این عصر تغییرات کلی در افکار، سیاست و طرق پیشرفت پدید آمد که طرز جدیدی از آموزش و پرورش را ایجاد می‌کرد. برای آنکه فرد بتواند مقام شایسته‌ای در جامعه احراز کند می‌بایست راجع به مسایل سیاسی و اجتماعی بحث و سخنرانی کند و نظر افراد را بدین وسیله جلب نموده آرای آنان را به دست آورد. گفتنی است که در سال ۱۴۶ پیش از میلاد یونان به تصرف روم درآمد و در میان فرهنگ و تمدن یونان را اقتباس نموده و تغییراتی در آن به وجود آوردند و در میان اقوام متعددی که تحت تسلط روم بودند رایج ساختند. کودک را از ۷ سالگی به مدرسه می‌فرستادند و هدف از تربیت آن بود که کودک نیرومند و تندرست بار آید. خدایان و سازمانهای دولتی را گرامی دارد. طفل روی الواح موم اندود با قلمی آهنین می‌نوشت. و هرگاه صفحه تمام می‌شد موم را با انگشت صاف می‌کرد تا مجدداً برای نوشتن آماده شود. پس از اختراع پاپیروس و کاغذ پوستی قلم‌نی مرسوم گشت و کتابهایی که شامل یک ورق لوله شده بود رواج یافت. برای دختران تمرین کارهای خانه

کافی به نظر می‌رسید. در هفده سالگی جوان رومی طی تشریفات خاصی به عضویت جامعه درمی‌آمد. دبیرستان را مدرسه دستورزیان می‌نامیدند که از سن شانزده سالگی آغاز می‌شد، و ویژه فرزندان توانگران بود. دبیران یونانی بودند و برنامه این مدارس عبارت بود از صرف و نحو و ادبیات یونانی و لاتین (زبان روم)، انشاء، اخلاق، هندسه، هیئت، تاریخ و جغرافیا، مخصوصاً "به ادبیات و جمله‌پردازی اهمیت بیشتری داده می‌شد. آموزشگاهها مدت‌ها مورد توجه بود. برنامه این مدارس شامل هفت ماده درسی بود. که در قرون میانه به هنرهای آزاد معروف شد. این هفت ماده عبارت بودند از صرف و نحو، سخنرانی، منطق، موسیقی، حساب، هندسه هیئت (جبر، هندسه، اخترشناسی و موسیقی که بعداً به مواد چهارگانه آموزشی Educational Quadrivium و مواد سه‌گانه Trivium (دستورزیان، سخنوری و منطق) معروف شد.^(۳۰)"

۴- روش و محتوای تعلیم و تربیت در قرون میانه

قرون میانه "از قرن پنجم (شکست امپراطوری رم ۴۷۶ میلادی) آغاز شده و تا قرن شانزدهم میلادی (فتح قسطنطنیه، ۱۴۵۳ میلادی) ادامه داشت. در این دوره خانقاهها آخرین پناهگاه فرهنگ و تمدن اروپا بشمار می‌آمدند. علاوه بر حفظ کتابها به تدریس لاتین نیز همت گماشتند. تربیت در قرون میانه دنباله تغییراتی بود که بعد از ظهور دین مسیح در آموزش و پرورش باستان آغاز شده بود. نخستین مدارس اروپا در مهد کلیساها و در آغوش بینوایان مسیحی نشو و نمایافت. زیرا در تمام قرون میانه کلیساها و روحانیون عامل اصلی آموزش و پرورش و انتخاب محتوا بودند^(۳۱)". "این وضعیت تا قرن یازدهم رایج بود. از قرن یازدهم عواملی چند موجب پیدایش طرزفکری خاص گردید که به روش اهل مدرسه معروف است.^(۳۲) تا قرن پانزدهم طرز تدریس و نحوه تفکر و تحصیل معلمان و دانش آموزان مدارس بر مبنای این روش استوار بوده است. از جمله علل پیدایش و ترویج روش مذکور تماس با مسلمانان و انتشار عقاید اسلامی و همچنین توجه به منطق بود. اولیای مذهب مسیح می‌خواستند که هم با زور و هم با استدلال از مذهب مذکور دفاع کنند. و برای سازش دادن احکام دین با عقل و منطق، روش اهل مدرسه را به وجود آوردند تا بتوانند هر نوع پرسش را با دلایل منطقی پاسخ داده شک و تردید را برطرف سازند. برای بیان مطلب باروش اهل مدرسه معمول آنست که موضوع درسی به بخشهای مختلف تقسیم می‌شود که هر بخش خود شامل چند فصل و هر فصل متضمن چند مبحث است. هر مبحث به قسمت‌های کوچکتر تقسیم می‌شود. هنگام تدریس هر قسمت، مطالب درسی جمله به جمله به وسیله استاد مطرح می‌شود و از هر نظر راجع به آن صحبت

می‌شود. سپس دلایل موافق و مخالف یک به یک اظهار می‌گردد که البته دلایل مخالف رد می‌شود، و دلایل موافق مورد تأیید قرار می‌گیرد. (۳۳)

"برنامه مدارس قرون میانه در مقایسه با برنامه مدارس آتن در زمان سقراط و افلاطون محدود بود. فلسفه تابع الهیات شده بود. روش تحصیل خشک و زبانی بود و انسان را از بزرگترین منشاء علم یعنی طبیعت و اشیای خارجی دور ساخته بود. (۳۴)"

پروفسور ویلیام مدلین در اثر برجسته خود تحت عنوان تاریخ آراء تربیتی در غرب می‌نویسد "این نکته مهم را باید تذکر داد که اگر کمک‌های آثار قدیم (که توسط تازیان به مغرب زمین راه یافت) درین بود دوره قرون وسطی و نوزایی به صورت پدیده‌هایی کاملاً متفاوت درمی‌آمدند.

مصطلحات فنی که اروپائیان از اعراب اخذ کرده‌اند گواه این تأثیر است. آدمیرال، آرسنال، سופا، تاريف، تنیس، ترافیک (۳۵) همه کلمات مفید هستند و همه آنها ریشه تازی دارند. در بررسی کلی نام بزرگان دانش‌پژوه در قرون وسطی، در قرون هشتم و نهم و دهم، تسلط کامل متفکران فرهنگ اسلامی آشکار می‌گردد. فعالیت‌های آنان حتی در قرن دوازدهم به صورت نیرومندی در غرب اثربخش گردید. آشکار است که محتوای موضوعی آموزش و پرورش غربی در ریاضیات، علم، فلسفه و پزشکی و سیعاً از منابع اسلامی (و همچنین هندی) ناشی شده است. (۳۶)"

آری به کمک جنبش‌های فکری، علمی، و مذهبی در قرن پانزدهم و شانزدهم عصر جدیدی در تمدن بشری به وجود می‌آید، که معروف به رنسانس یا نوزایی است که بر نظام آموزش و پرورش و محتوای آن تأثیر فراوانی گذاشته است.

۵- روش و محتوای تعلیم و تربیت از رنسانس تا اوایل قرن بیستم:

ویلیام مدلین می‌نویسد: "گذرا از فرهنگ ریاضت‌گرای دینی قرون وسطایی با آنچه بر حسب سنت، نوزایی خوانده می‌شود و توأم با تأکید آن درباره علایق و ارزشهای مربوط به انسان، یک رویداد ناگهانی اجتماعی و فرهنگی نبوده است. رشد تدریجی نهادهای جدید اجتماعی و پیشرفت‌های فکری که ناشی از تعارضها، سازگاریها، یا خلاقیت انسان بود، در طی قرون، جامعه اروپایی را به وجود آورد که طبعاً نمی‌توانست احتیاجات و منافع خود را در چهارچوبی فئودالی و کلیسایی جای دهد. (۳۷)"

در حقیقت در تجدید حیات علمی و فرهنگی در اروپا چندین عامل اثر داشته است. "نفوذ آراء و اندیشه‌های اسلام، جنگهای صلیبی از قرن پنجم هجری میان مسیحیان و مسلمانان (عامل تعامل فرهنگ و تمدن)، اختراع چاپ (۱۴۴۵ در آلمان)، که باعث انتقال

سریع فرهنگی شد، و تصرف قسطنطنیه پایتخت رم شرقی به دست سلطان محمد فاتح پادشاه عثمانی (۱۴۵۳) که در نتیجه آن دانشمندان یونانی با ذخایر علمی و ادبی خویش روانه اروپا و مخصوصاً ایتالیا شدند و مردم آنجا را با آثار یونان آشنا کرد. در اثر عوامل فوق به تدریج انتقادهایی بر ضد روشهای قرون وسطایی به وسیله اشخاصی چون رابله فرانسوی (۱۴۹۰-۱۵۵۲) Rabelais، باشعار پرورش کلی قوای کودک)، مونتینی فرانسوی Montaigne (۱۵۳۲-۱۵۹۲)، باشعار کتاب مهمترین وسیله آموزش نیست و از برکردن دانستن نیست) اراسم آلمانی (۱۴۶۷-۱۵۳۶)، مشوق فرهنگ پژوهی) و مولکالستر انگلیسی (۱۶۱۱-۱۵۳۰)، باشعار همه مردم باید آموزش ابتدایی رایاد بگیرند) و دیگران ابزار شد که در قالب آنها افراط در مباحثه منطقی و مجادله لفظی، زیاده‌روی در تمرین‌های طوطی وار زبانی و اصل سندیت عقاید پیشینیان مورد نکوهش قرار گرفت و دلبستگی به زندگانی یونان و رم (فرهنگ پژوهی)، دلبستگی به زندگانی و خوشی در این جهان و توجه به طبیعت و تمایل به مشاهده، تشویق و اساس برنامه‌تعلیم و تربیت قرار گرفت.^(۳۸) و همزمان با این طرز تفکرها "نهضت‌هایی دینی چون نهضت لوتر (Luther) آلمانی (۱۴۸۳-۱۵۴۶)، معروف به نهضت پروتستان) که سادگی دین مسیح را متذکر شد و اعلام نمود که همه کس باید از آزادی فکر برخوردار باشد. وی برای نخستین بار اظهار داشت که آموزش و پرورش باید به خرج دولت و برای همه مردم اعم از توانگر و درویش و پسر و دختر باشد.^(۳۹)"

بدین طریق چنین تفکری نقش اساسی در تجدید حیات اجتماعی و تربیتی داشته‌است. به علاوه همزمان با نهضت‌های دینی، جنبش‌های علمی نیز به وقوع پیوست که به جای تکیه بر اقوال و احادیث و اخبار کلیسا باید به قضاوت و قوه تمیز انسان اطمینان کرد و باید از حواس و تجربه و آزمایش‌های عینی کمک گرفت. از جمله پیشوایان، رابله، مونتینی، مولکالستر، و بالأخص فرانسویس بیکن در کتاب خود به نام ارغنون نو، منطق ارسطویی را کافی ندانست و تأکید بر مشاهده و تجربه نمود. در همین اوان، کاشفان و دانشمندان بزرگی چون کپرنیک، کپلر، گالیله، نیوتن، کومینیوس، جان لاک و روسو ظهور کردند و هر کدام به سهم خود خدمات مهمی انجام دادند و بر فرایند تعلیم و تربیت و محتوای آن تغییرات اساسی به وجود آوردند. به دنبال این فرایندهای انقلاب صنعتی در اواخر قرن هجدهم، و در نتیجه پیشرفت سریع علوم و اکتشافات، مسئولیت مدرسه به عنوان نهاد اجتماعی از انحصار طبقات خاص خارج گردید و در اختیار همگان قرار داده شد و موجب گردید.

علوم فنی و علوم طبیعی و تکنولوژی و روان‌شناسی پستالوژی هربارت و فروبل وارد دنیای برنامه‌های مدارس گردد.

در قرن نوزدهم بالأخص تلاش زیادی در وارد ساختن علوم در برنامه‌های درسی کشورها به عمل آمد که از جمله این کسان هربرت اسپنسر انگلیسی (۱۹۰۳-۱۸۲۰) بود که وی در برابر این سؤال اساسی کدام دانش بیشترین ارزش را دارد؟ این پاسخ را داد: دانشی که فرد را برای زندگی کامل آماده سازد.

بدین ترتیب، این بینش‌ها همراه با انقلاب صنعتی و توسعه علوم باعث گردید که آموزش علوم و اطلاعات فنی و زبانهای خارجی و مطالعات اقتصادی جدید وارد دنیای کتب درسی گردد. و بدنبال آن برنامه‌های آموزش متوسطه رشد نموده و مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی تلقی و به خدمت گرفته شود و موجب ایجاد رشته‌های مختلف تحصیلی در سطح متوسطه و عالی گردد و آموزش و پرورش با زندگی و کار ارتباط بیشتری حاصل نماید. گفتنی است که "برنامه درسی در سطح کلان در این دوران به طور غیرمستقیم بخشی از فلسفه، تعلیم و تربیت، ادبیات، تاریخ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بوده است" (۴۰).

در مجموع با مطالعات تطبیقی و جامعه‌شناسی که پروفیسور ویلیام هنری شوپرت در حوزه برنامه درسی انجام داده معتقد است "هیچ کتابی تحت عنوان برنامه درسی تا سال ۱۹۰۰ میلادی در جهان نوشته نشده است. بر این امر، استثنایی وجود داشت. کتاب "کلود فلوری (Calaudi fleury) تحت عنوان تاریخ انتخاب روش تحصیلات منتشره در ۱۶۸۶ در فرانسه (ترجمه به زبان انگلیسی در سال ۱۶۹۶) به عنوان قدیمی‌ترین کتاب در برنامه درسی تلقی می‌گردد. اگر چه اختصاص به برخی از روشهای برنامه درسی در قلمرو تعلیم و تربیت داشته است." (۴۱)

از آنچه رفت می‌توان گفت که دوران غیررسمی برنامه درسی با قدمت پیدایش انسان شروع و تا اوایل قرن بیستم ادامه داشته است. در این دوران برنامه‌های درسی بخشی از فرایند کلی تعلیم و تربیت، فرهنگ جامعه، فلسفه، ادبیات، تاریخ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بوده است، لکن به عنوان یک رشته تخصصی مستقل مطرح نشده و شکل نیافته است.

ب: قرن بیستم و آغاز دوران رسمی حوزه تخصصی برنامه درسی

"در قرن بیستم عوامل اجتماعی و نیازهای فنی جوامع صنعتی تعیین کننده راه و رسم نظامهای تربیتی" گردیده‌اند. (۴۲) در این راستا برنامه درسی در سطح خرد (۴۳) و تخصصی

به عنوان یک رشته مستقل مرزهای معین خود را در قرن بیستم پیدا کرده و رشد نموده است.

در حقیقت، از سال ۱۹۰۰ میلادی به تدریج کتابهای تخصصی در زمینه برنامه درسی به رشته تحریر درآمده است. مع ذلک کتاب برنامه درسی فرانکلین بوپیت^(۴۴) که در سال ۱۹۱۸ منتشر گردید به عنوان نخستین کتاب برنامه درسی تلقی می‌گردد.^(۴۵) و بدین ترتیب، زمینه‌های استقلال رشته برنامه درسی از خانواده علوم تربیتی فراهم گردیده و صاحب ادبیات ویژه خود می‌گردد.

در فرایند تشکل، رشته برنامه درسی و روند آغازین مطالعاتی آن بر مدار محور نظام مدیریت علمی فردریک تیلور^(۴۶)، یعنی توجه به کارآیی، نظارت و پیش‌بینی پدیده‌ها استوار بود. بدین ترتیب، نخستین ساختار مطالعاتی برنامه‌ریزی درسی به اقتباس از نظام مدیریت علمی پرداخته و به ترسیم فرایند فعالیتهای یاددهی و یادگیری در یک نظام کنترل شده و کاملاً معین می‌پردازد.

بعد از بوپیت، متخصصانی چون هارولد راگ^(۴۷) (۱۹۲۷)، هالیس کاسول^(۴۸) و داک کمپل^(۴۹) (۱۹۳۵) مفاهیم جدیدی چون چگونگی انتخاب اهداف، چگونگی انتخاب محتوای درسی و سازمان دادن به فعالیتهای درسی را مطرح نمودند.

در حقیقت در سال ۱۹۳۸ نخستین گروه (دپارتمان) برنامه درسی و تدریس در کالج تربیت معلم دانشگاه کلمبیا شکل می‌گیرد. بدین ترتیب برنامه درسی و تدریس به عنوان یک رشته تحصیلی رسماً وارد صحنه آکادمیکی و دانشگاهی می‌گردد.

در سال ۱۹۴۹ رالف تایلر^(۵۰) در کتاب خود با عنوان "اصول اساسی برنامه درسی و آموزش" چهار سؤال بنیادی به شرح زیر در خصوص مفاهیم اساسی برنامه درسی مطرح نمود که موجبات غنای دانش برنامه درسی در چهار مقوله برنامه‌ریزی، انتخاب محتوا، تدریس و ارزشیابی فراهم آورد.

۱- مدرسه چه اهداف تربیتی را باید پیگیری کند؟
 ۲- چگونه تجربیات یادگیری باید انتخاب گردند که مازاد راه تحقق اهداف تربیتی یاری دهند؟

۳- چگونه می‌توان تجربیات یادگیری را به نحو مؤثر در آموزش سازمان داد؟

۴- چگونه می‌توان تحقق تجربیات یادگیری را ارزشیابی و تعیین نمود؟
 طرح این سؤالات از طرف رایف تایلر موجب فراهم آوردن خوراک علمی برای متخصصانی چون سیلرو الکساندرو^(۵۱) هلیداتابا^(۵۲) گردید.

در اوایل دهه شصت موفقیت شوروی (سابق) در خصوص پرتاب سفینه فضایی اسپانیک (Sputnik1) (اکتبر ۱۹۵۷) موجبات تحولات نظام آموزش آمریکایی‌ها را فراهم آورد، به نحوی که آنان متوجه ضعف خویش در نظام برنامه‌ریزی درسی گشته و با سرعت و درایت دست به عکس‌العملهای آموزشی از قبیل تأسیس متعدد دانشکده‌های علوم تربیتی زدند و به تشکیل کمیته‌های تخصصی برنامه‌ریزی درسی جهت بهبود کیفیت نظام آموزش پرداختند.

در اواسط دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد (متخصصان برنامه‌درسی به نقد و غنای نظری رشته برنامه‌درسی پرداخته و نگرش متاتئوریک^(۵۳) را در فرهنگ برنامه‌درسی متداول ساختند. در این رهگذر، متخصصانی چون آیزنر و ولنس^(۵۴)، جان میلر^(۵۵)، دکرواکر^(۵۶)، هانوکي^(۵۷)، پانیر^(۵۸)، پنا^(۵۹)، و جیرو^(۶۰)، موفق به ترسیم وارائه نظام متاتئوریکي در خصوص برنامه‌درسی و برنامه‌ریزی درسی شدند که موجبات ارائه مفاهیم نو و فراگیری تحت سه مقوله کلی برنامه‌درسی رسمی^(۶۱)، برنامه‌درسی عقیم^(۶۲) و برنامه‌درسی مستتر^(۶۳) درواژگان معاصر حوزه تخصصی برنامه‌درسی گردید، که در مجموع این سه مقوله قلمرو جدید برنامه‌درسی در جهان امروز را تشکیل می‌دهد. اجازه دهید قبل از تبیین قلمرو جدید برنامه‌درسی نظری گذرا بر مبانی نظری حوزه برنامه‌درسی داشته باشیم:

ج - مبانی نظری برنامه‌درسی به عنوان یک رشته تخصصی

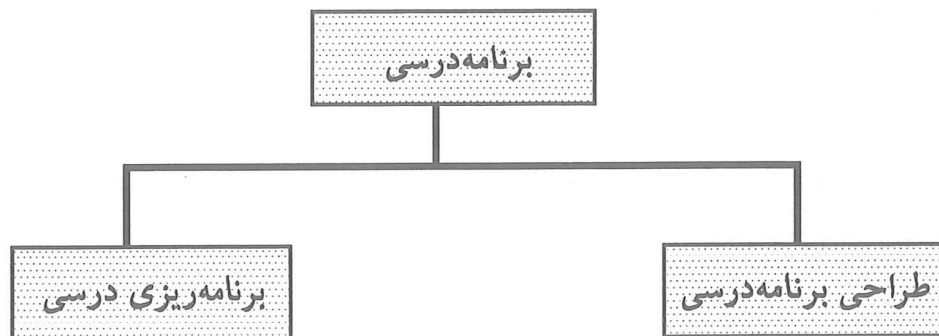
چنانچه گفته شد برنامه‌درسی به عنوان یک حوزه تخصصی در اوایل قرن بیستم متولد شده است. زمان تولد رسمی برنامه‌درسی مترادف با انتشار کتاب برنامه‌درسی فرانکلین بوییت در سال ۱۹۱۸ است.

به قول پرفسور مولنر و زهوریک^(۶۴) "کتاب بوییت زمینه ایجاد رشته برنامه‌درسی را فراهم آورده اگرچه بوییت تحت تأثیر اصول مدیریت علمی عصر خود قرار گرفته بود، مع‌ذالک، او در صدد کار بست این اصول در امر برنامه‌درسی بوده است"^(۶۵).

در حقیقت اثر بوییت نخستین بارقه نظری راپایه گذاشت که مشوق دیگران در امر برنامه‌درسی گردید.

به دنبال آثار سایر متخصصان برنامه‌درسی، وبال‌آخص پس از تشکیل کنفرانس انجمن برنامه‌ریزان درسی و رهبری آموزشی در سال ۱۹۴۷ در دانشگاه شیکاگو بود که خلاء نظری رشته برنامه‌درسی کاملاً هویدا گشت. وهمین کنفرانس مشوق پرفسور جورج بوشامپ^(۶۶) گردید که در صدد تهیه مبانی نظری برنامه‌درسی باشد. بوشامپ پس

از ۱۴ سال مطالعه سرانجام در سال ۱۹۶۱ نخستین کتاب تئوری برنامه درسی رابه رشته تحریر درآورد. و بدین ترتیب رشته برنامه درسی ازپشتوانه نظری برخوردار گردید. و دو خانواده بزرگ نظری یعنی نظریات مربوط به طراحی برنامه درسی^(۶۷) (تعیین عناصر تشکیل دهنده یک برنامه درسی باتوجه به چگونگی تصمیم گیری این عناصر باتعیین نقشه ای برای آموزش) و نظریات مربوط به برنامه ریزی درسی^(۶۸) (تعیین مراحل اجرا و روش کار با عنایت به افشار تصمیم گیرنده) در ادبیات حوزه برنامه درسی مطابق نمودار زیر مطرح و شکل می گیرد.



پس از بوشامپ، مک دونالد^(۶۹) نظریات برنامه درسی را در سه خانواده بزرگ قرار می دهد.

۱- خانواده تئوری کنترل^(۷۰)

تئوریهای کنترل تمرکز بر عمل داشته و در صدد فراهم آوردن یک چهارچوب نظری جهت افزایش کارایی و کارآمدی امر برنامه ریزی است. این تئوریها منطبق تکنولوژیکی (تعیین روشهای دقیق کار با عنایت به راه میانبر) را پذیرفته و اجرایی نمایند. فرایند برنامه ریزی درسی در این تئوریها بر اساس روش والگوی خطی متخصص^(۷۱) استوار می باشد که باتعیین اهداف آغاز، با انتخاب محتوا و فعالیتها ی یادگیری ادامه یافته و سرانجام با ارزشیابی خاتمه می یابد.

مبنای شکل گیری این تئوریها همانا کار فرانکلین بوبیت در سال ۱۹۱۸ بوده است. از نظریه پردازان برجسته این خانواده می توان از تایلر و گودلد^(۷۲) نام برد.

۲- خانواده تئوری تعبیری^(۷۳)

این تئوریها برخلاف تئوریهای کنترل بر معنا^(۷۴)، ایده ها و اندیشه ها تأکید داشته اند. نظریه پردازان این تئوریها معتقدند که مطالب و مفاهیم باید در حد فهم و شعور شاگردان

درآید و از طریق کاربری مبانی نظری فلسفه، تاریخ و سایر علوم انسانی درصدداند تا به توافقی درخصوص معنا بخشیدن اندیشه‌ها، ایده‌ها و مفاهیم در حد فهم شاگردان برسند. ماکسین گرین^(۷۵) از برجسته‌ترین نظریه پردازان این تئوری‌ها می‌باشد.

۳- خانواده تئوری انتقادی^(۷۶)

این تئوری‌ها هم به جنبه نظری و هم به جنبه عملی برنامه‌های درسی توجه دارد و تمرکز خود را به ارتباط متقابل بین تئوری و عمل معطوف داشته‌اند. روش آنها تفکر انتقادی است و هدف نهایی آنها همانا راه‌سازی انسانی در ساختارهای زبانی اقتصادی و سیاسی است.^(۷۷)

در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ نظریه‌های متعددی در حوزه برنامه درسی مطرح گردید. بلوغ و غنای امر نظریه‌های مطرحه به نحوی بود که منجر به خلق متا تئوری‌ها در امر برنامه درسی گردید که قبلاً "ذکر آن به اختصار گذشت".

بدین ترتیب، تئوری‌ها و متا تئوری‌های برنامه درسی چهارچوب‌های نظری لازم را برای درک و توصیف پدیده‌های مربوط به واقعیت، درک مربوط به فرایند اعمال آموزشی و پیش بینی پدیده‌ها فراهم آورده و سرانجام به عنوان راهنمای عمل می‌تواند مورد استفاده برنامه ریزان درسی در حوزه وسیع رشته برنامه درسی واقع گردد.

د- قلمرو جدید برنامه درسی به عنوان یک حوزه تخصصی

از تولد رسمی برنامه درسی به عنوان یک رشته تخصصی ۷۵ سال از تشکیل نخستین انجمن برنامه ریزان درسی و رهبری آموزشی^(۷۸) ۴۸ سال می‌گذرد. در طی این مدت، به قول پرفسور شوپرت^(۷۹)، از سال ۱۹۰۰ تا پایان سال ۱۹۷۹ مجموعاً ۱۱۳۸ جلد کتاب در رشته برنامه درسی از چاپ خارج گردید.^(۸۰) و امروزه این تعداد بالغ بر ۲۰۰۰ جلد کتاب تخصصی گردیده است. علاوه بر کتابهای تخصصی و کتابهای راهنما^(۸۱)، نشریات، فصلنامه‌ها، و ماهنامه‌هایی تخصصی تحت عناوین مروری بر برنامه درسی^(۸۲)، پژوهش برنامه درسی^(۸۳)، تئوریزه کردن برنامه درسی^(۸۴)، رهبری آموزشی^(۸۵)، مجله برنامه‌ریزی درسی و رهبری آموزشی^(۸۶)، نمای برنامه درسی^(۸۷)، مطالعات برنامه درسی^(۸۸)، و برنامه درسی بهنگام^(۸۹) به طور تخصصی در رشته برنامه درسی منظمآ چاپ و در دسترس برنامه ریزان درسی و علاقه مندان قرار می‌گیرد.

به‌علاوه، نخستین دایره‌المعارف بین‌المللی برنامه‌درسی که مشتمل بر ۱۰۶۴ صفحه با ۲۸۲ مقاله از ۲۲ کشور جهان است در سال ۱۹۹۱ تحت ویراستاری ارشد آیره‌لوی^(۹۰) از چاپ خارج و در دسترس علاقه‌مندان و برنامه‌ریزان قرار گرفت و موجبات غنای مبانی نظری و راهنمای عملی رشته برنامه‌درسی را فراهم آورد.^(۹۱)

در ضمن، انجمن‌های متعدد برنامه‌درسی نیز در کشورهای انگلیسی و غیرانگلیسی زبان شکل گرفته است که از آن جمله می‌توان از انجمن برنامه‌ریزان درسی و رهبری آموزشی^(۹۳) (ASCD، تأسیس ۱۹۴۵)^(۹۲)، انجمن جهانی برنامه‌درسی و آموزش (WCCI) ۱۹۷۰^(۹۴)، بخش مطالعات برنامه‌درسی انجمن محققان تربیتی آمریکا (AERA)، انجمن برنامه‌ریزان درسی کانادا (CACS)^(۹۵)، انجمن مطالعات تاریخ برنامه‌درسی (Ssch)^(۹۶)، انجمن پرفسورهای برنامه‌درسی (APC)^(۹۷)، شبکه برنامه‌درسی (CTN)^(۹۸)، سازمان آفریقایی برنامه‌درسی (ACO)^(۹۹)، انجمن مطالعات برنامه‌درسی انگلستان (ASCUK)^(۱۰۰)، انجمن مطالعات برنامه‌درسی استرالیا (ACSA)^(۱۰۱)، و... نام برد. که همه منابع و انجمن‌های فوق ابزار غنای مبانی نظری جهت راهنمای عمل می‌باشند و در ضمن مبین حوزه بسیار وسیع و قلمرو گسترده برنامه‌درسی در سرتاسر جهان می‌باشند.

در ضمن، محتوای قلمرو جدید رشته برنامه‌درسی در سه خانواده بزرگ طبقه‌بندی و مطالعات بر روی آنها تمرکز یافته است.

۱- خانواده برنامه‌درسی رسمی:^(۱۰۲)

"به کلیه فعالیتها و برنامه‌های درسی اطلاق می‌شود که توسط نظام آموزش رسمی اعلام می‌گردد و اکثر اوقات به صورت کتابهای درسی در مدارس و دانشگاهها ارائه می‌گردد."^(۱۰۳)

۲- خانواده برنامه‌درسی عقیم:^(۱۰۴)

"وقتی برنامه‌درسی عقیم خوانده می‌شود که نظام برنامه‌ریزی درسی برخی از مفاهیم و مسایل را عمداً تدریس یا ارائه نمی‌دهد (مثلاً بحث تکامل در کتاب زیست شناسی ارائه نمی‌گردد). یا محتوای ارائه شده در کتاب درسی با سن عقلی شاگردان متناسب نیست، یا مطالبی را که شاگردان می‌خوانند نمی‌توانند در عمل بکار ببرند.... جزء مقوله برنامه‌درسی عقیم قرار داده می‌شود."^(۱۰۵)

۳- خانواده برنامه درسی مستتر: (۱۰۶)

"برنامه درسی مستتر در مدارس به انتقال ضمنی آن دسته از ارزشها، هنجارها، طرز تلقی و نگرشها که غالباً منتج از روابط اجتماعی مدرسه و کلاس درسی است به شاگردان می‌پردازد." (۱۰۷) به عبارت دیگر، برنامه درسی مستتر انتقال ارزشها، هنجارها، طرز فکرها و نگرشهاست که از طریق فرایند غیررسمی آموزش توسط معلمان، مدیران، کارکنان، روابط متقابل شاگردان، محیط سازمانی و نهادی مدرسه و دانشگاه با عنایت به جو کلی جامعه صورت پذیرفته و به شاگردان منتقل و یاد آنها ایجاد می‌گردد. در حوزه تخصصی برنامه درسی مجموعه این یادگیریهای ضمنی را برنامه درسی مستتر می‌نامند. (۱۰۸)

گفتنی است که مبانی نظری سه خانواده فوق به طور بسیار وسیع در ادبیات سازمان یافته حوزه برنامه درسی موجود است و منابع متعددی به تبیین و تحلیل آنها پرداخته‌اند، که تشریح هر یک مستلزم اطاله کلام و نیازمند مقاله‌ای مستقل است.

باید علاوه کرد که امروزه دیوار قلمرو جدید حوزه برنامه درسی به دیوار فرهنگ زنده جامعه اتصال پیدا نموده است. لذا، لازمه شناخت حوزه تخصصی برنامه درسی و پدیده‌های آن مستلزم شناخت فرهنگ زنده جامعه می‌باشد.

در حقیقت از طریق شناسایی مفاهیم مربوط به انسان و جهان در فرهنگ زنده جامعه می‌توان به شناسایی قلمرو جدید حوزه برنامه درسی از طریق سه مقوله برنامه درسی رسمی، عقیم و مستتر پرداخت و خوراک علمی را برای یادگیرندگان فراهم آورد، که متناسب با سن عقلی با عنایت به نظام ارزشها و فرهنگ زنده جامعه باشد. از این طریق است که ما شاهد محور برنامه درسی عقیم در نظام برنامه درسی کشور خواهیم بود.

جمع‌بندی :

گفته شد که رشته برنامه درسی به عنوان یک حوزه تخصصی در صدد مفهومی کردن پدیده‌های مربوط به انسان و جهان به منظور تسهیل امر یاددهی و یادگیری است، و حدود و ثغور آن شامل محیط مدرسه و خارج از مدرسه، برنامه‌های رسمی، غیررسمی، مستتر و عقیم است، و خلاصه دیوار آن به دیوار فرهنگ زنده جامعه اتصال می‌یابد.

بیان گردید که برنامه درسی (Curriculum) از جنبه نظری یک رشته مادر و تخصصی تلقی می‌شود و این رشته برنامه درسی خود به دو زیر شاخه طراحی برنامه درسی (Curriculum Design) و برنامه‌ریزی درسی (Curriculum Development) تقسیم می‌گردد.

با عنایت به مباحث فوق ذکر گردید که قدمت برنامه درسی به قدمت انسان می‌رسد و ما همواره شاهد و ناظر تاریخی به کاربردن برنامه‌های درسی مختلف درازمنه گوناگون بوده‌ایم.

تعمق تحلیلی تاریخی به ما نشان می‌دهد که نظام برنامه‌های درسی متأثر از نظام فلسفه تعلیم و تربیت جوامع بوده است.

درازمنه قدیم (دوران پیش از قرون وسطی) محتوای برنامه‌های درسی جنبه مدنی و خانوادگی داشته است. در مرحله قرون میانه بیشتر برنامه‌های درسی حول محور معتقدات دینی بوده، و بالأخره در قرون جدید بعد از رنسانس تا اوایل قرن بیستم منافع ناسیونالیستی و دین، طبیعت‌گرایی و نیازهای فنی جوامع صنعتی جهت دهنده برنامه‌های درسی بوده‌اند. که دوران فوق را دوران غیررسمی برنامه درسی خوانده‌اند. در مجموع، در این دوران فعالیت‌های برنامه درسی به صورت جزئی از سایر علوم، بالأخص جزء علوم تربیتی به حساب می‌آمده است.

در حقیقت، در اوایل قرن بیستم بود که فعالیت‌های علمی برنامه درسی به طور منسجم در طول تاریخ مورد تحلیل واقع گردید و در صدد برآمدند که این فعالیت‌ها را در قالب یک تخصص ریخته و مبانی نظری آنرا استخراج نمایند.

در واقع، در اوایل همین قرن بود که فرانکلین بوبیت نخستین کتاب برنامه درسی را در سال ۱۹۱۸ نوشت که با این اثر خود موجب تولد رشته برنامه درسی گردید و زمینه استقلال علمی آن را از حوزه علوم دیگر، بالاخص حوزه علوم تربیتی فراهم ساخت. سپس، به تدریج دانش سازمان یافته به نحوی تقویت و رشد نمود که نخستین دایره المعارف بین‌المللی برنامه درسی در سال ۱۹۹۱ منتشر گردید و موجبات غنای نظری و تجربی حوزه پیچیده برنامه درسی را فراهم ساخت. بر موارد فوق باید نشریات ادواری، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها، و انجمن‌های برنامه درسی را علاوه نمود.

بدین ترتیب، با آثار کتبی فوق مبانی تئوری و متاتئوریک رشته برنامه‌درسی از انسجام بیشتر برخوردار و قلمرو علمی آن کاملاً "مشخص و معین گردیده و با قدمت ۷۵ ساله خود پرچم استقلال علمی را بر بام علوم به عنوان یک حوزه تخصصی و یک رشته آکادمیکی برافراشت.

پانویسها

- 1- Curriculum
- 2- Franklin Bobbitt
- 3- Curriculum Design
- 4- Curriculum Development/Engineering/Planning
- 5- Association For Supervision And Curriculum Development
- 6- Explicit Curriculum
- 7- Hidden Curriculum
- 8- Schubert, W.H., Curriculum Reform In Cawelticed. Challenges And Achievements Of American Education.(Alexnadia : 1993) Yearbook Of The Association For Supervision And Curriculum Development,(1993), PP.80-81
- 9- Null Curriculum
- 10- Levey
- 11- A. Levey, (1991). The International Encyclopedia Of Curriculum.(Oxford: Pergamon Press,1991) Pxxv
- 12- William Henry Schubert
- 13- W.H. Schubert, Curriculum Books: The First Eighty Years.(Lanham: Maryland University Press Of America,1984), P.1
- ۱۴- ابراهیم کظیمی، تاریخ آموزش و پرورش. بخش اول: آموزش و پرورش غرب(تهران: چاپخانه درخشان ۱۳۵۴)، ص ۱۵
- ۱۵- همان اثر. ص ۱۷
- 16- William Medlin

17- Sedentary

- ۱۸- ویلیام مدلین، تاریخ آراء تربیتی در غرب. ترجمه فریدون و بازرگان دیلمقانی. (تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۳)، ص ۲۱-۲۲
- ۱۹- همان اثر، ص ۲۳
- ۲۰- کظیمی، ص ۱۹
- ۲۱- همان اثر ص ۱۹
- ۲۲- همان، ص ۲۰
- ۲۳- همان، ص ۱۱۲
- ۲۴- عیسی صدیق، تاریخ فرهنگ ایران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۵۴)، ص ۳۲-۳۳
- ۲۵- محمد اقبال لاهوری، سیر فلسفه در ایران. ترجمه امیرحسین آریان پور (تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه، ۱۳۴۹)، ص ۱۷-۱۸
- ۲۶- صدیق، صفحات ۱۱ الی ۱۰ نقل به اختصار
- ۲۷- کظیمی، ص ۲۹
- ۲۸- همان، ص ۴۰-۴۱
- ۲۹- همان، ص ۵۸
- ۳۰- همان، ص ۴۱، مدلین ص ۵۱
- ۳۱- کظیمی، ص ۵۸

32- Scholasticism

۳۳- کظیمی، ص ۶۷

۳۴- همان، ص ۶۸

35- Admiral. Arsenal, Sofa, Tariff, Tennis, Traffic

۳۶- مدلین، ویلیام. ص ۷۱

۳۷- همان، ص ۷۴

۳۸- کظیمی، ص ۷۶

۳۹- همان، چکیده. ۷۳ - ۱۳۹

40- Schubert, W.H., OP.cit. P.3

41- Ibid. P.5

۴۲- مدلین، ویلیام. ص ۱۶۹

43- Micro

44- Franklin Bobitt

- 45- Schubert. W.H. (1984). OP.Cit.32
 46- Frederick Taylor
 47- Harold Rugg
 48- Holis Caswell
 49- Doak Compbell
 50- Ralph Tyler
 51- Gallen Saylor And William Alexander
 52- Hilda Taba

۵۳- متانتثوری به یک تئوری درباره تئوریه‌ها و پایه تئوری کشاندن تئوریه‌ها در یک قالب منسجم و موزون بایک زبان حرفه‌ای که محاط بر تئوریه‌ها باشد اطلاق می‌گردد.

- 54- Eisner And Vallance
 55- John Miller
 56- Decker Walker
 57- Huenecke
 58- Pinar
 59- Pina
 60- Giroux

- 61- Explicit Curriculum
 62- Null Curriculum

برنامه‌درسی رسمی: این مفهوم در قسمت قلمرو

جدید برنامه‌درسی تعریف شده‌است.

برنامه‌درسی عقیم: این مفهوم در قسمت قلمرو

جدید برنامه‌درسی تعریف شده‌است.

- 63- Hidden Curriculum

برنامه‌درسی مستتر: این مفهوم در قسمت قلمرو

جدید برنامه‌درسی تعریف شده‌است.

- 64- Molnar And Zahorik

- 65- A. Molnar And A. Zahorik, **Curriculum Theory**. (Washington. D.C: ASCD, 1977),
 P.1

- 66- George Beauchamp, **Curriculum Theory**. (Illinois: The Kagg Press, 1961)

- 67- Curriculum Design

- 68- Curriculum Development/Planning/Engieenring

- 69- Mac Donald
- 70- Control Theory
- 71- Linear-Expert
- 72- Tyler and Goolad
- 73- Hermenutic Theory
- 74- Meaning
- 75- Maxine Greene
- 76- Critical Theory
- 77- Molnar And Zahorik. Op.cit PP.2-5
- 78- Association For Supervision and Curriculum Development
- 79- Schubert
- 80- W.H. Schubert, **Curriculum Books**(Lanham: University press Of America.,1984), P.11
- 81- Curriculum Handbook
- 82- Curriculum Review
- 83- Curriculum Inquiry
- 84- Curriculum Theorizing
- 85- Educational Leadership
- 86- Journal Of Curriculum and Supervision
- 87- Curriculum Perspective
- 88- Curriculum Studies
- 89- Curriculum Up- date
- 90- A.Levey
- ۹۱- گفتنی است که نگارنده این مقاله کلیه واژگان و اصطلاحات برنامه درسی را به زبان انگلیسی تحت عنوان "نخستین واژگان شناسی بین المللی برنامه درسی" که ما حاصل ۸ سال تحقیق و تتبع و مطالعه بوده است تهیه و آماده چاپ نموده است.
- 92- Association For Supervision and Curriculum Development
- 93- World Council For Curriculum and Instruction
- 94- Curriculum Studies Of The American Educational Research Association
- 95- Canadian Association For Curriculum Studies

- 96- The Society For the Study Of Curriculum History
- 97- Association For Professor Of Curriculum
- 98- Curriculum Teachers Network
- 99- The African Curriculum Organization
- 100- The Association For the Study Of Curriculum In The United Kingdom
- 101- The Australian Curriculum Studies Association
- 102- Explicit Curriculum
- 103- E.Eisner, the Educational Imagination(New York: Macmillian Publishing Co.,1985)
P.181
- 104- Null Curriculum
- 105- Ibid. P.181
- 106- Hidden Curriculum
- 107- Ibid. P. 181
- ۱۰۸- نگارنده مقاله در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) یک متاتئوری در خصوص برنامه درسی مستتر Hidden Curriculum ارائه داده است.